

تحلیلی ویرایشی بر کتاب نگارش ۱ (پایه دهم)

(چاپ شده در مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره ۳۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۶: صص ۵۸-۵۰)

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

دبیر اتحادیه‌ی انجمن‌های علمی - آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی کشور

مرتضی توانا

دبیر زبان و ادبیات فارسی سندج

چکیده

کتاب نونگاشت نگارش ۱ (پایه دهم) گامی تازه به سوی مهارت نوشتن است و با وجود نکات قوت بسیار و نوآوری‌های نوشتاری حاکم بر آن، در بحث موارد مختلف ویرایش عیب‌ها و اشکال‌هایی دارد که در لزوم اصلاح آن‌ها تردیدی نیست. این عیب‌ها و اشکال‌ها گاه ناشی از بی‌توجهی به قاعده‌های ساختمان زبان فارسی و گاه بر اثر اشکال‌های منطقی، بلاغی، تلفظی و بیانی است؛ بنابراین لازم است شناخته و بررسی شوند و در صورت امکان کنترل شده و یا الگوهای معیار جایگزین آن‌ها گردد.

این پژوهش بر آن است که اشکال‌های کتاب نگارش را از این دیدگاه بررسی کند؛ یعنی الگوهای زبانی غیرمعیار زبان کتاب را جست‌وجو و به‌جای آن‌ها الگوهای زبانی معیار را مطابق قاعده‌های ساختمان زبان فارسی پیشنهاد و در پایان، راه‌های پرهیز از کاربرد الگوهای غیرمعیار را معین کند. روش پژوهش به این صورت است که متن کتاب به دقت خوانده و بررسی و موردهای غیرمعیار در بخش‌های ویرایش فنی، زبانی - ساختاری و واژگان یادداشت شده است.

کلیدواژه: ویرایش و نگارش، زبان معیار، الگوهای زبانی، درست‌نویسی، ویراستاری

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله و اهمیت پژوهش

جایگاه خاصی که کتاب‌های درسی فارسی، به‌ویژه نگارش در میان دانش‌آموزان دارند، باعث شده است که زبان کتاب نگارش را زبان معیار بدانند. هرچه الگوهای زبانی غیرمعیار رواج پیدا کنند، به مرور زمان، معیار می‌شوند؛ در نتیجه زبان از جنبه‌های مختلف شکننده می‌شود و اگرچه در ظاهر بتواند به نقش ارتباطی خود ادامه دهد، قاعده‌های آن فرو می‌ریزد و صرف‌ونحو آن دچار دگرگونی و اشکال می‌شود. پس برای مراقبت از

رکن‌های زبان فارسی و جلوگیری از دگرگونی آن، باید الگوهای زبانی غیرمعیار را در کتاب درسی شناخت و شیوه‌های کاربرد این الگوهای غیرمعیار را در لایه‌های سه‌گانه‌ی زبان کاوید و زیان‌های کاربرد آن را معین کرد. با به‌کارگیری مباحث‌های نظری این پژوهش، تعدادی از جمله‌های این کتاب به صورت تصادفی از نظر اشکال‌های ویرایشی، در حوزه‌های فنی، زبانی و بلاغی بررسی شده‌اند و ضمن اشاره به مهم‌ترین اشکال‌های آن‌ها، سعی شده است صورت‌های جایگزین و متناسب با زبان معیار فارسی برای آن‌ها پیشنهاد شود.

۱-۲- پیشینه‌ی پژوهش

باتوجه به بی‌پیشینگی و نونگاشتی کتاب، فرصت برای تحلیل آن کمتر بوده و نقادان هنوز فرصت نقد آن را نیافته‌اند و پژوهشی در این زمینه به ثبت نرسیده است که دقیقاً الگوهای زبانی غیر معیار را در کتاب بررسی کند.

۱-۳- مبانی نظری پژوهش

در مبانی نظری این پژوهش، نظریه‌های «لایه‌های سه‌گانه‌ی زبان»، «ویرایش ساختاری- زبانی، فنی و بلاغی»، «درست و نادرست در زبان» و «زبان معیار و معیارسازی» اساس قرار گرفته است.

۲- سطوح ویرایشی متن

در این مقاله سعی شده است کتاب نگارش ۱ پایه‌ی دهم از نظر به‌کارگیری درست اصل‌ها و قاعده‌های فنی و صوری نگارش مورد بررسی قرار گیرند که مهم‌ترین حوزه‌های این بررسی در حوزه‌ی ویرایش فنی عبارت‌اند از: رسم‌الخط و املا‌ی فارسی (نشانه‌ی کسره‌ی اضافه، جدا و پیوسته‌نویسی واژه‌ها و ترکیب‌ها و ...)، نشانه‌گذاری و بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای در حوزه‌ی خط و حرف‌های فارسی، روان‌خوانی و انتقال بهتر مطلب، تشدید در زبان فارسی.

در قلمرو ویرایش زبانی نیز به‌کاربردن شکل مجهول فعل به‌جای معلوم، آوردن صفت‌های نامتناسب با موصوف، حذف بی‌جای فعل یا حذف نکردن آن با وجود قرینه، خطاهای کاربرد نادرست فعل (به‌کارگیری هم‌کردهای فعلی) و درازنویسی و بی‌توجهی به‌گزینش اجزای ترکیب مورد توجه قرار گرفته‌اند.

و در سطح واژگان نیز کاربرد نادرست واژگان، تعبیرها و الگوهای بیگانه، مسأله‌ی گرت‌برداری (واژگان و اصطلاحات، معنایی و نحوی)، تاتولوژی و کاربرد بیش از حد واژه‌های هم‌معنی، درازگویی و حشو تحلیل شده‌اند.

۳- ویرایش ساختاری- زبانی

۱-۳- خطاهای دستوری

۳-۱-۱- خطاهای کاربرد نادرست فعل (به‌کارگیری هم‌کردهای فعلی)

همواره اختلافی ناچیز میان دو واژه‌ی هم‌معنی وجود دارد که در گزینش واژه‌ی مطلوب‌تر دخیل است. نویسنده باید در این اختلاف‌ها دقت و واژه‌ای را گزینش کند که قالب منظورش باشد و این همان اصل روانی و زلالی در نگارش است.

در زبان فارسی گاه در بافت جمله دو یا سه فعل در محور هم‌نشینی از نظر معنا و مفهوم تقریباً یکسان به‌کار رفته‌اند؛ در حالی که با اندکی دقت، می‌توان محدودیت قلمرو معنایی آن‌ها را با توجه به عنصرهای

دیگر جمله، تشخیص داد. به کارگیری هم کردهای «باشیدن»، «نمودن»، «گشتن»، «گردیدن» و ... به جای فعل‌های معین «استن»، «کردن» و «شدن» جایز است؛ اما فصیح نیست و بهتر است فعل‌هایی را به کار گرفت که در زبان شفاهی و نثر معیار رایج است.

گردیدن

گردیدن و گشتن در زبان فارسی در جایی به کار می‌رود که مراد در آن نشان دادن دگرگونی در چیزی و از حالی به حالی گشتن آن چیز باشد؛ برای مثال: می‌گویند: کتاب ترجمه گشت؛ یعنی پیش از آن به زبان دیگری بوده است، شهر ویران گردید؛ یعنی پیش از آن آباد بوده است و ... که در همه‌ی این موارد می‌توان «شدن» را نیز به کار برد؛ اما هرگاه نشان دادن دگرگونی در چیزی مراد نباشد، نمی‌توان از «گشتن» بهره گرفت و باید «شدن» را به کار برد. برای مثال، گفتن «مداد پیدا گردید» نادرست است؛ چراکه چیزی در مداد تغییر نکرده است.

← «بدین‌سان، خلق و آفرینش آسان می‌شود و پرسش‌ها در ذهن و زبان جاری می‌گردند.» (صفحه‌ی ۱۵، بند پایانی، سطر ۳)

← «در مرحله‌ی قبل تعدادی پرسش عینی درباره‌ی موضوع جدا گردید.» (ص ۴۴، ب ۱، س ۱)

← «دیوارهایی چون قهر، نفرت، بدبینی، حسادت و ... که هرگاه کاشته می‌شوند، باعث فاصله و جدایی می‌گردند.» (ص ۳۳، ب ۲، س ۲)

نمودن

فعل نمایید، نمود، نمودند و ... در رسانه‌ها، نوشتمان‌های اداری و نزد عموم مردم به ترتیب به معنای فعل‌های «کنید، کرد و کردند» به کار می‌رود؛ در حالی که بن فعل نمود، «نما» است و همه‌ی شکل‌های گوناگون آن، چیزی جز معنای «نمایش دادن» را نمی‌رساند.

← «متن و پرسش‌های زیر را بخوانید؛ آنگاه از بین پرسش‌ها، آنهایی را که با محتوای نوشته، ارتباط دارند، مشخص نمایید.» (ص ۴۷، س ۲)

← «معمولاً می‌توان موضوع‌ها را به کمک رابطه‌ی ذهنی به هم ربط داد؛ آنها را مقایسه کرد و کار خلق و آفرینش را برای ذهن آسان نمود.» (ص ۸۷، ب ۱، س پایانی)

← «بنابراین باید مکان و زمان وقوع حادثه را مشخص کنیم؛ شهر و دیار یا محل وقوع ماجرا را معین کنیم و جزئیاتی از آن محل را توصیف نماییم.» (ص ۱۱۴، ب ۵، س پایانی)

در همه‌ی این موارد ساخت جمله به گونه‌ای است که می‌توان فعل نخست را به قرینه‌ی فعل دوم حذف کرد و از تکرار پرهیز نمود.

می‌باشد

در کتاب غلط نویسیم اثر ابوالحسن نجفی، این‌گونه نوشته شده است: «به دو دلیل بهتر است که از استعمال «می‌باشد» به جای «است» خودداری شود: اولاً «می‌باشد» و دیگر صیغه‌های باشیدن در گفتار عادی مردم رایج نیست ... ثانیاً «می‌باشد»، به‌عنوان فعل اسنادی هیچ‌فرقی با «است» ندارد و بنابراین نیازی نیست که جانشین آن شود؛ مگر برای احتراز از تکرار، ولی تکرار فعل را لزوماً نباید از عیوب نگارش دانست. وانگهی

چه لزومی هست که مثلاً به جای این جمله: «خانه‌ی من در کوچه‌ی هفدهم است»، بگوییم: «خانه‌ی من در کوچه‌ی هفدهم می‌باشد؟!»

← «اینجا همچنین دارای آرشیو روزنامه هم می‌باشد.» (ص ۶۲، ب ۳، س ۵)

البته کاربرد این فعل‌ها در جای خود و در معنای اصلی (غیراسنادی و غیرمعین) لازم و مناسب است: برای نمونه:

گشتن در معنای تغییر وضعیت ← زمین به دور کره‌ی خورشید می‌گردد.
نمودن در معنای نشان دادن ← چنان می‌نماید که مرد عاقلی است.

۳-۱-۲- حذف به قرینه‌ی لفظی

هرگاه دو جمله دارای فعلی مانند هم باشند، می‌توانیم یکی از فعل‌ها را حذف کنیم. این عمل در مورد اجزای دیگر جمله نیز امکان دارد. در کتاب در بسیاری از جمله‌ها می‌توان فعل یا اجزای دیگر جمله را به قرینه حذف کرد؛ مانند:

← «... برای شخصیت‌های آفریده شده، وظیفه و نقشی تعیین می‌کنیم و کار هر یک را مشخص می‌کنیم ...» (ص ۱۱۳، ب ۲، س ۳)

← «نوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آنها (عینی و ذهنی) را مشخص کنید و درباره‌ی پاسخ خود استدلال کنید.» (ص ۳۳، مورد ۱)

۳-۱-۳- مجهول نابه‌جا

اصولاً در زبان فارسی ساخت فعلی و جمله‌ی مجهول کم‌تر به کار می‌رود. فعل مجهول جزء ساخت‌های طبیعی و رایج زبان فارسی است و هنگامی به کار می‌رود که فاعل در جمله ذکر نشود و فعل به مفعول نسبت داده شود.

← «تلفن همراه ... توسط شرکت‌های سازنده‌ی گوناگونی تولید می‌شود ...» (ص ۴۵، ب ۳، س ۳)
در این جمله، فعل مجهول است و فعل مجهول نیاز به عامل و فاعل ندارد؛ اما فاعل ذکر شده است. این جمله‌ها و مانند آن گرت‌برداری نحوی از دست‌ورزبان انگلیسی و فرانسه است. در این جمله‌ها چنین کاربردهایی رایج و دلیل آن «برجسته‌سازی» و تأکید است. در زبان فارسی هرگاه تأکید بر مفعول باشد، اول آورده می‌شود؛ اما در زبان‌های انگلیسی و فرانسه، معادل را وجود ندارد و شکل مجهول فعل به کار می‌رود. در این جمله‌ها بیش‌تر حرف اضافه‌ی مرکب (توسط، به توسط، از سوی، به وسیله‌ی و ...) به کار می‌رود. در جمله‌های فارسی که فاعل ابتدا می‌آید، این نشانه‌ها حذف و فعل معلوم به کار برده می‌شود:
← تلفن همراه را ... شرکت‌های سازنده‌ی گوناگونی تولید می‌کنند ...

- چند روش کاربردی برای پرهیز از کاربرد توسط، از سوی و به وسیله‌ی در جمله‌ی معلوم

الف. حذف «توسط» یا خانواده‌اش + افزودن «را» + تبدیل فعل مجهول به معلوم؛

نمونه:

جمله‌ی نادرست: امور اداری توسط معاونت اداری باید انجام گیرد.

جمله‌ی درست: امور اداری را باید معاونت اداری انجام دهد.

ب. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «ب»

نمونه:

جمله‌ی نادرست: او با بیان این‌که در حال حاضر، برای دریافت یارانه‌های نقدی از سوی ایرانیان خارج از کشور، تقاضا داریم، تصریح کرد ...

جمله‌ی درست: او با بیان این‌که هم‌اکنون برای دریافت یارانه‌های نقدی ایرانیان خارج از کشور، تقاضا داریم، تصریح کرد ...

ج. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «با»

نمونه:

جمله‌ی نادرست: او گفت: «توسط مردم و اصناف به سراغ آن‌ها خواهیم‌رفت ...»

جمله‌ی درست: او گفت: «به کمک (با) مردم و صنف‌ها به سراغ آن‌ها خواهیم‌رفت ...»

د. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «از» یا «در»

نمونه:

جمله‌ی نادرست: ... و علاقه‌مندی گسترده‌ای برای همکاری با ایران، از سوی جامعه‌ی بین‌المللی، به‌وجود آمده است.

جمله‌ی درست: ... و علاقه‌مندی گسترده‌ای، برای همکاری با ایران، در جامعه‌ی بین‌المللی به‌وجود آمده است.

۳-۱-۴- کاربرد نادرست حرف ربط

جمله‌ی مرکب معمولاً از دو جمله‌ی پایه و پیرو یا پیرو و پایه تشکیل می‌شود. راه‌های شناخت جمله‌ی پایه از پیرو:

الف. جمله‌ی پیرو تأویل به مصدر می‌شود؛ اما پایه چنین نیست؛ برای مثال:

اگر تلاش کنی، به هدف می‌رسی (به شرط تلاش کردن، به هدف می‌رسی).

ب. جمله‌ی پیرو همیشه با حرف ربط همراه است؛ اما جمله‌ی پایه حرف ربط ندارد؛ بنابراین در جمله‌ی

مرکب، تنها جمله‌ی پیرو حرف ربط می‌گیرد؛ نه جمله‌ی پایه و اگر دو بخش جمله‌ی مرکب، حرف

ربط بگیرد، جمله‌ی مرکب نادرست است؛ مانند:

«اگرچه خانه و سرا هم‌معنی‌اند؛ اما هر یک متناسب با فضای خاصی به‌کار می‌روند.» (ص ۳۸، بند

پایانی)

در جمله‌ی بالا هر دو بخش جمله همراه حرف ربط آمده و تشخیص جمله‌ی پایه از پیرو مشکل است

و این جمله‌ی مرکب، از دو جمله‌ی پیرو ساخته شده و از نظر دستوری نادرست است؛ پس باید جمله را به

یکی از دو صورت زیر درست کرد:

۱. اگرچه خانه و سرا هم‌معنی‌اند (پیرو)، هر یک متناسب با فضای خاصی به‌کار می‌روند (پایه).

ب) خانه و سرا هم‌معنی‌اند (پایه)؛ اما هر یک متناسب با فضای خاصی به‌کار می‌روند (پیرو).

هم‌چنین:

«اگرچه علاقه‌ی ما در انتخاب آن چه می‌خوانیم، عامل تعیین‌کننده‌ای است؛ اما فراموش نکنید که یک چیز برای همه‌ی نویسندگان ضرورت دارد.» (ص ۸۲، بند ۵، س ۳)

- در مورد نشانه‌ی نگارشی هم باید گفت که بین دو جمله‌ی مرکب، اگر جمله‌ی پیرو مقدم باشد، نشانه «،» و اگر جمله‌ی پایه مقدم باشد، نشانه «؛» می‌آید.

۲-۳- خطاهای واژگانی، تعبیری و اصطلاحی

۱-۲-۳- گرته‌برداری

در گرته‌برداری صورت ترکیبی و اصطلاحی یا نحوی و یا معنایی واژه‌ها به اجزای سازنده‌اش تجزیه و ترجمه‌ی لفظ به لفظ یا تعمیم معنایی یا تغییر ساختاری می‌یابد. گرته‌برداری بنابر ماهیت آن سه نوع است: لفظی، معنایی و نحوی. گرته‌برداری لفظی و معنوی در حوزه‌ی واژه، ترکیب و اصطلاح و گروه واژه و گرته‌برداری نحوی در حوزه‌ی جمله است.

الف- گرته‌برداری لفظی (حرف اضافه‌ی زاید)

این نوع گرته‌برداری ترجمه‌ی لفظ به لفظ ترکیب بیگانه به فارسی است. اگر این گرته‌برداری براساس قاعده‌های زبانی وام‌گیرنده و از الگوی زبانی وام‌دهنده تبعیت نکرده باشد، سبب رونق و توانگری زبان وام‌گیرنده می‌شود؛ اما گاهی برخی از واژه‌ها و اصطلاح‌ها به‌درستی ترجمه نمی‌شوند و معنای آن به فارسی، خلاف زبان اصلی است.

اشکال در به‌کارگیری حرف اضافه، از مهم‌ترین اشکال‌های زبانی است.

به‌عنوان

«مدرسه اگرچه در زمان ساخت خود به‌عنوان مدرسه‌ای مجلل مشهور شد ...» (ص ۶۲، ب پایانی، س ۳)

در این جمله «به‌عنوان»، تعبیری کلیشه‌ای و قابل حذف است؛ چراکه اغلب با فعل‌های شمردن و انگاشتن به‌کار می‌رود. این غلط ناشی از ترجمه‌ی «as» است که در زبان انگلیسی به‌همراه فعل‌هایی معادل، فعل‌های یادشده به‌کار می‌رود؛ اما در ترجمه‌ی آن به فارسی، معمولاً می‌توان «as» را از ترجمه حذف کرد؛ بدون آن که لطمه‌ای به معنا بخورد.

نسبت به

«هر فرد با توجه به شناختی که نسبت به موضوع دارد.» (ص ۱۱۷، بند ۲، س ۱) ← نسبت زاید است.

به‌طور

«... مرحوم ثقة‌الاسلام با جمع یاران مشروطه طلب و انقلابی‌اش دیده می‌شود که به‌طور دسته‌جمعی به دار آویخته شده‌اند.» (ص ۶۵، بند ۱، س ۲) ← به‌طور زاید است.

بر روی

«کیک زرد اغلب از طریق آسیاب کردن فراوری‌های شیمیایی بر روی سنگ معدن اورانیوم تهیه می‌شود.» (ص ۴۹، ب ۴، س ۱) ← یکی از دو مورد زاید است.

ب- گرته‌برداری نحوی

این نوع گرده‌برداری تغییر ساخت جمله‌های زبان وام‌گیرنده است؛ یعنی گرده‌ها دقیقاً بر اساس الگوهای نحوی و ساختار جمله‌های زبان مبدأ ریخته می‌شود؛ برای نمونه:

ترجمه‌ی «a» حرف تعریف، به «یک» در فارسی، زاید است؛ علاوه بر آن در فارسی امروز هنگام نکره‌کردن اسم‌ها، «ی» به آن‌ها افزوده نمی‌شود و شایسته نیست واژه‌ی «یک» را به‌کار برد؛ زیرا امروزه واژه‌ی «یک» بیش‌تر برای «عدد» و «صفت شمارشی» به‌کار می‌رود:

- «گاهی پس از طرح چند پرسش درباره‌ی «یک موضوع» احساس می‌کنیم دیگر پرسشی نداریم.» (ص ۱۵، ب ۴، س ۱) ← به‌جای موضوعی
- «آیا هر فاصله‌ای را می‌توان یک دیوار دانست؟» (ص ۱۸، ب ۲، س پایانی) ← یک: زاید است.

۳-۲-۲- درازنویسی و بی‌توجهی به‌گزینش اجزای ترکیب

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که درک مفاهیم هر جمله با تعداد واژه‌های آن رابطه‌ی معکوس دارد. هرچه تعداد واژه‌های یک جمله کم‌تر باشد، درک مفهوم آن آسان‌تر است. (بدیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

الف - تاتولوژی (Tautology) یا مترادف‌نویسی

تاتولوژی یا مترادف‌نویسی، یعنی پی‌درپی آوردن واژه‌های هم‌معنی در جمله، بدون آن‌که به همه‌ی آن‌ها نیاز باشد. در زبان عربی به آن «الغا»، یعنی بی‌هوده‌گویی می‌گویند. تفاوت آن با تکرار در این است که در تکرار، عین واژه تکرار می‌شود؛ اما در مترادف‌نویسی، معادل معنایی واژه‌ی دیگر، تکرار می‌شود.

- ← «... و کار خلق و آفرینش را برای ذهن آسان نمود...» (ص ۸۷، بند پایانی، س ۵)
- ← «نوشته‌ی بالا جمله‌ای طولانی، بلند و نفس‌گیر است.» (ص ۲۳، ب ۳، س ۱)
- ← «این ویژگی باعث شد آنان به محیط خارج از خود بیش‌تر توجه کنند و به اوهام و خیالات بی‌اعتنا باشند.» (ص ۲۴، بند پایانی، س ۲)

- «تلفن همراه یا گوشی همراه وسیله‌ای برای ارسال و دریافت تماس تلفنی از طریق ارتباط رادیویی در پهنای وسیع جغرافیایی است. منظور از موبایل یا گوشی همراه یا تلفن سلولی وسیله‌ای است که برای اتصال به شبکه تلفن همراه به‌کار می‌رود.» (ص ۴۵، ب ۲، س ۱) ← ۴۳ واژه
- ← تلفن یا گوشی همراه، وسیله‌ی فرستادن و دریافت تماس تلفنی، از راه ارتباط رادیویی، در پهنای جغرافیایی است؛ به‌عبارت دیگر گوشی همراه یا تلفن سلولی، برای اتصال به شبکه‌ی تلفن همراه به‌کار می‌رود.
- ← ۳۳ واژه

ب - نمونه‌ی دیگری از حشو

صفت عالی

هنگام به‌کارگیری نشانه‌ی صفت عالی (صفت برترین)، اگر صفت یا اضافه آورده شود، باید واژه‌ی پس از صفت، «جمع» باشد؛ مانند: حضرت محمد (ص)، بزرگ‌ترین (با کسره) پیامبران الهی است و هرگاه صفت عالی بدون اضافه به‌کار رود، اسم پس از آن، مفرد می‌آید؛ مانند: حضرت محمد (ص)، بزرگ‌ترین (با نون ساکن) پیامبر الهی است.

«یکی از دوستان گفت شاید این کتاب درباره‌ی بهترین گلزنان فوتبال باشد.» (ص ۲۸، ب ۲)

در این جا صفت عالی، بدون اضافه به کار رفته است؛ بنابراین اسم پس از آن مفرد می‌آید ← بهترین گلزن

۴- ویرایش فنی (آسیب‌های حوزه‌ی خط و املا)

اگر بپرسند «مهم‌ترین» اصل در ویرایش چیست، بی‌شک پاسخش «یک‌دستی» است. بنا به اصل یک‌دستی، اجزای متن باید با هم هماهنگ باشند و ساز واحد بزنند تا خواننده بتواند چهره‌ای منسجم و متین از اثر ببیند و انتظارش از یکسانی متن، دم‌به‌دم، نقش بر آب نشود. فهرست موردهای دوگانه و ناهم‌گون کتاب به شرح زیر است:

۴-۱- ناهم‌گونی در جدا و پیوسته‌نویسی برخی تکواژها

۴-۱-۱- پیوسته و جدانویسی «ها» ی نشانه‌ی جمع فارسی

در کتاب «ها» ی نشانه‌ی جمع در همه‌ی موارد جدا نوشته شده است. تنها مورد استثنا «آنها» (صورت جمع ضمیر غایب «او») است؛ اما در همین مورد نیز دوگانگی و ناهم‌گونی وجود دارد؛ چنان‌که این ضمیر در صفحه‌ی ۱۱۷، بند پایانی، سطر سوم، جدا نوشته شده است: «... و هر روز به آن‌ها آب می‌دادی.»

۴-۱-۲- تر و ترین

هرچند صفت حاصل از این پسوندها از نظر معنی، یک واحد گفتاری است؛ به دلیل کم‌کردن استثناها و سادگی حفظ قاعده، به جز در «بهتر، کهنتر، مهتر» (که گونه‌های به، مه و که هستند) جدا نوشته می‌شوند. از این سه مورد «کهنتر» و «مهتر» در نوشته‌های امروزی کاربردی ندارند و تنها «بهتر» استثنا باقی می‌ماند. این پسوندها نیز در کتاب در همه‌ی موارد جدا نوشته شده است؛ با این حال کتاب «بیشتر و کمتر» را مستثنا کرده که ضرورتی ندارد.

۴-۲- دوگانگی و ناهم‌گونی در گزینش واژه و نشانه‌ی جمع

اگر بخواهیم به تمام پرسش‌ها پاسخ بدهیم ... شاید علاقه‌ای به پاسخ دادن به برخی از سؤال‌ها نداشته باشیم. (ص، ۴۴، ب ۱، س ۲)

متن زیر را بخوانید و متناسب با آن پرسش‌هایی طرح کنید، سپس با سازماندهی سؤال‌ها نقشه نوشته را نشان دهید. (ص ۴۹، مورد ب و ص ۶۴ مورد ۱)

نویسنده برخی از ویژگی‌های ظاهری مداد را بیان کرده و هم‌زمان جملاتی نیز از فضای ذهن خود، نوشته است؛ اما در برخی از متن‌ها فضای عینی، برجسته‌تر است و در بعضی فضای ذهنی غلبه دارد. (ص ۳۲، بند پایانی، س ۲)

هم‌چنین، دوگانگی در صفحه‌ی ۴۳، موردهای ۱۲ (چرا بعضی راننده‌ها ... و ۱۳ (چرا برخی از افراد ...).

همین مورد دوگانگی و ناهماهنگی در به‌کارگیری حرف اضافه‌ی «از».

... به چگونه نوشتن جواب هم بیندیشیم و به خودمان فرصت دهیم تا پاسخ را خوب بپرویم ... (ص ۱۸، بند ۴، س ۵)

۴-۳- جمع‌های عربی در زبان فارسی معیار

نکته‌ای که هنگام به‌کارگیری واژه‌های زبان‌های دیگر باید به آن توجه کرد، این است که تنها واژه یا عبارت از زبانی به زبان دیگر کوچ می‌کند؛ نه دستورزبان! منظور این است وقتی می‌خواهیم واژه‌های زبان‌های دیگر را در زبان فارسی به‌کارگیریم، نباید دستورزبان مقصد را هم به زبان فارسی تحمیل کنیم؛ برای نمونه: همان‌طور که هنگام جمع بستن واژه‌ی ترکی «اتاق»، در زبان فارسی، نمی‌گوییم: «اتاقلار» یا اگر بخواهیم واژه‌ی «تلفن» را جمع ببندیم، نمی‌گوییم: «تلفنز»، درست نیست واژه‌های آمده از زبان عربی را هم با نشانه‌های جمع عربی جمع ببندیم و بگوییم:

معلمین، مسؤولین، ملل، دول، واقعیات، مزارع و ...

بنابراین، هیچ‌واژه‌ی عربی را با نشانه‌های جمع عربی جمع نمی‌بندیم؛ مگر:

الف. واژه با نشانه‌ی جمع عربی، بار حقوقی و قانونی پیدا کرده‌باشد؛ برای نمونه:

«مجمع روحانیون مبارز» که نام حزبی خاص و تغییرناپذیر است.

«وزارت اطلاعات و امنیت» که نام خاص وزارت‌خانه‌ای است.

رشته‌ی دانشگاهی حقوق، رشته‌ی حقوق بین‌الملل، وزارت علوم و ...

ب. واژه وقتی با نشانه‌ی جمع عربی، جمع بسته می‌شود یا وقتی با نشانه‌ی جمع فارسی همراه است، دو معنای مختلف پیدا کند؛ برای نمونه: واژه‌ی امکان:

امکانات، به‌معنای تجهیزات و لوازم اغلب مادی نهاد یا مکانی است؛ اما امکان‌ها، مفهوم غیرمادی و انتزاعی دارد و در مفهوم ممکن‌هاست.

پس کاربرد اغلب واژگان با نشانه‌های جمع عربی در فارسی، نادرست است؛ بنابراین در زبان فارسی تا آن‌جا که ساخت زبان اجازه می‌دهد، واژه‌های عربی را هم باید به‌صورت جمع فارسی آن‌ها درآورد (مانند امتیازها، توصیف‌ها، مکالمه‌ها و ...) و نشانه‌ی جمع فارسی را درباره‌ی همه‌ی واژه‌های بیگانه به‌کار برد.

در کتاب واژه‌های بسیاری هست که با نشانه‌ی جمع عربی، همراه‌اند؛ در حالی که می‌توان همه‌ی آن‌ها را با نشانه‌ی جمع فارسی جمع بست که افزون بر برتری، در بسیاری موارد، در جمله خوش‌نشین‌تر نیز می‌نماید؛ مانند: موضوعات، اهداف، قطرات، اشعار، آیات، نکات، جملات، حالات و ...

از میان این گروه از واژه‌ها، واژه‌های موضوع، کلمه و حواس، دوگانگی و ناهم‌گونی دارند. گاهی با نشانه‌ی جمع عربی «ات» و گاهی با نشانه‌ی جمع فارسی «ها» آمده‌اند و در مورد آخر، جمع مکسر به‌جای جمع فارسی به‌کار رفته است.

۴-۴- دوگانگی و ناهم‌گونی در جدا و پیوسته‌نویسی برخی پسوندها و ترکیب‌ها

«گفت سخن مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در آتش وحشت، شمع وار بگداخت ...» (ص ۱۱۰)

«پس از روشن‌شدن موضوع، برای نوشتن داستانوار به شخصیت نیاز داریم ...» (ص ۱۱۲، ب ۲، س ۱)

«... اگر موضوع نگارش «سنگ» باشد، می‌توان اینگونه نوشت ...» (ص ۷۵، ب ۳، س ۳)

«... بهتر است در این‌گونه نوشته‌ها از این‌کار ... پرهیز کنیم.» (ص ۶۰، بند و سطر پایانی)

«فاصله‌ها گاهی آن‌قدر زیاداند که هیچ دیواری به پهنای آنها نمی‌رسد.» (ص ۳۳، ب ۱، س ۲)

«کوزه‌ی پیر آنقدر شرمنده بود ...» (ص ۱۱۷، ب ۴، س ۱)

۴-۵- تشدید

در برخی از واژه‌های کتاب، در گذاشتن و نگذاشتن تشدید نیز دوگانگی و ناهم‌گونی هست: «نوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آنها (عینی و ذهنی) را مشخص کنید.» (ص ۳۳) «... از بین پرسش‌ها آنهایی را که با محتوای نوشته، ارتباط دارند، مشخص نمایید ...» (ص ۴۷) «در گزارش نویسی ... معمولاً ابتدا دربارهٔ عنوان، مکان و زمان گزارش، اطلاعاتی داده می‌شود ...» (ص ۵۹) «... تبادل اطلاعات، طرّاحی نقشهٔ ذهنی و ... همه در این مرحله انجام می‌گیرد.» (ص ۹)

۴-۶- نشانه‌ی کسره‌ی اضافه در واژه‌های پایان‌یافته با های غیرملفوظ

برخلاف واژه‌های پایان‌یافته با «های ملفوظ» و به اصطلاح سیرشده (مانند: فرمانده، گره و ...) کسره‌ی اضافه را در واژه‌هایی که «ها» در آن‌ها غیرملفوظ است و خوانده نمی‌شود، نباید حذف کرد. در کتاب موردهایی از دوگانگی در آوردن یا نیاوردن این نشانه در «های غیر ملفوظ» وجود دارد؛ مانند: «متن زیر، نمونه دیگری از کاربرد جمله‌های طولانی است ...» (ص ۲۴، س ۱) «به دو نمونه زیر توجه کنید ...» (ص ۱۱۶، س ۱) در مواردی هم این نشانه به کار نرفته است؛ مانند:

متوسطه نظری (صص ۲، ۸ و ۱۰)

«یکی دیگر از ابزارهای انسجام متن، نشانه‌هایی هستند که معنای «تقابل» دارند؛ جمله زیر را بخوانید ...» (ص ۱۰۹، بند ۱، س ۱)

۴-۷- تشدید در زبان فارسی

تشدید از موردهایی است که از خط عربی گرفته‌شده و در نوشتار فارسی به کار می‌رود؛ اما علت به‌کارگیری آن در فارسی با زبان عربی کاملاً متفاوت است. واژه‌های تشدیددار زبان فارسی بسیار اندک‌اند. جایگاه تشدید در این واژه‌ها یا در پایان هجای اول واژه‌های دوهجایی یا در پایان واژه‌ها به هنگام اضافه‌شدن به حرف، پسوند یا واژه‌ای دیگر است. دلیل اصلی آوردن تشدید در زبان فارسی، گردش‌های زبانی و درگیری زبان در تأکیدهای گفتاری و موسیقی کلام است؛ پس این عنصر در زبان ما بیش‌تر جنبه‌ی شنیداری دارد. وجود تشدید در زبان، سبب گرفتگی آوایی و تکرار حرف می‌شود و در برخی زبان‌ها که این اتفاق بیش از حد می‌افتد، زبان به چالشی دچار می‌شود که آن را از روانی و رسایی دور می‌کند.

در زبان فارسی، هم‌چون: زبان‌های هم‌ریشه و هم‌خانواده‌ی خود (زبان‌های شاخه‌ی هند و ایرانی و هند و اروپایی)، با پژوهش در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها، این اتفاق آوایی و واجی را تنها می‌توان در واژه‌هایی محدود مشاهده کرد. با نگاهی به واژه‌های مشدد کتاب می‌توان گفت، در بسیاری از این واژه‌ها آوردن تشدید ضروری نیست؛ به علاوه این‌که بین گذاشتن و نگذاشتن تشدید روی حرف‌های مشدد، در برخی واژه‌ها اختلاف است که پیش‌تر بیان شد.

نکته‌ی دیگر واژه‌ی «اهمیت» است که خلاف قاعده مشدد شده است؛ زیرا واژه‌های عربی که به حرف مشدد، پایان می‌پذیرند؛ وقتی «یت» مصدری می‌گیرند با دو تشدید نوشته و تلفظ می‌شوند؛ حال این‌که در کتاب تشدید تنها روی حرف «م» قرار گرفته است. (صص ۲۳، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۷۵ و ۱۱۵)

برخی از واژه‌های مشدد کتاب

مشخص، مهمی، طراحي، اتفاق، پلکانی، حتی، البته، دقت، معلّم و ...

۴-۸- عدد نویسی

تنها نکته‌ی بیانی در این مورد پرهیز از نوشتن عددها هم به صورت حروفی و هم هندسی است:

«... تعداد مشترکان تلفن همراه ۷۰۲ میلیارد نفر برآورد شده ... است ...» (ص ۴۵، بند ۴، س ۱)

درست: ... تعداد مشترکان تلفن همراه هفتصد و دو میلیارد نفر برآورد شده ... است ...

«تعداد گوشی‌های فروخته شده ... ۳۴۰ میلیون دستگاه اعلام شده است ...» (ص ۴۵، بند ۴، س ۳)

درست: تعداد گوشی‌های فروخته شده ... سیصد و چهل میلیون دستگاه اعلام شده است ...

۵- گزینش واژگان و برابری مناسب فارسی به جای عربی

۵-۱- کاربرد اسم‌های بیگانه

امروزه گرایش فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فرهیختگان و عموم مردم ایران، به کار نبردن واژگان بیگانه اعم از اروپایی و عربی است؛ به ویژه واژگانی که برابری مناسب و خوش‌نشین فارسی نیز برای آن‌ها هست. در زیر نمونه‌هایی از واژگان به کار رفته در کتاب نگارش ۱ همراه با برابری‌های مناسبی که می‌توانسته به جای آن‌ها بیاید، ارائه شده‌اند:

جدول ۱: در هر ردیف در ستون سمت راست واژه‌ی بیگانه و در سمت چپ معادل فارسی آن نوشته شده است.					
قبل	پیش	طریق	راه	اعتقاد	باور
ترجیح	برتری	اضطراب	پریشانی، آشفتگی، هراس	محنت	رنج، سختی
سؤال	پرسش	انتخاب	گزینش	تمام	همه، همگی
رجال	بزرگان، مردان	ظلمات	تاریکی‌ها	معالجه	درمان
قدم	گام	ارسال	فرستادن	قدمت	پیشینه، دیرینگی
آرشیو	بایگانی	حادثه	رویداد، رخداد	واقعه	پیش‌آمد
بیرق	پرچم	مستمر	پیوسته، فرایندی	تدوین	گردآوری
هیبت	بزرگی، شکوه	صحیح	درست	همت	تلاش، دلیری، کوشش

۵-۲- فاصله‌گذاری و مرزبندی واژه‌ها برای حفظ استقلال و درست‌خوانی

رعایت قاعده‌های فاصله‌گذاری، به دلیل کاستن از ابهام متن، نیاز به کارگیری نشانه‌های ثانوی یا زبرخطی (حرکت‌گذاری یا اعراب‌گذاری) را در بسیاری از موردها رفع می‌کند. رعایت این قواعد علاوه بر این- که به حکم منطق زبان نوشتاری، ضروری است، به دلیل حضور زبان فارسی در دنیای رسانه‌های الکترونیکی و فضای فن‌آوری اطلاعات (IT)، اهمیت بیش‌تری هم پیدا کرده است.

۵-۳- شیوه‌ی تنظیم فاصله و نیم‌فاصله

هرگاه حروف‌چین در هنگام حروف‌چینی ترکیب‌ها، بین اجزای آن‌ها فقط کلید «Space» را فشار دهد، در اصطلاح می‌گوییم اجزای آن‌ها «بافاصله» نوشته شده‌اند (یا بین آن‌ها «یک فاصله» گذاشته شده است) و هرگاه بین آن‌ها کلیدهای «Shift+ Space» یا «Ctrl + خط تیره» را با هم فشار دهد، می‌گوییم اجزای آن‌ها «بی‌فاصله» نوشته شده‌اند (یا بین آن‌ها «نیم‌فاصله» گذاشته شده است).

۱. میان اجزای ترکیب‌های دوجزئی ده‌حرفی (ترکیب‌هایی که ده حرف یا کم‌تر داشته باشند) نیم‌فاصله و میان اجزای ترکیب‌های یازده‌حرفی (ترکیب‌هایی که یازده حرف یا بیش‌تر داشته باشند) یک‌فاصله می‌گذاریم. این قاعده، «قاعده‌ی ده‌حرفی / یازده‌حرفی» نامیده می‌شود.

دو جزئی ده‌حرفی یا کم‌تر: هم‌اندیشی، حکایت‌نگاری، ساده‌نویسی، پاسخ‌سازی، زعفران‌خیز، جانشین‌سازی، خراب‌شدنی، غم‌انگیز، سرخ‌پوست، آتش‌نشانی، قلم‌زدن، جمع‌بندی و ...

دو جزئی یازده‌حرفی یا بیش‌تر: بدیعه‌پردازی، خرچنگ‌قورباغه، مشارکت‌پذیری و ...

۲. هرگاه یکی از دو حرف «س» یا «ش» در هر دو جزء و حرف پایانی جزئی، جزء حرف‌های تخت (ب، پ، ت، ث) باشد، اگر ترکیب نه‌حرفی یا کم‌تر باشد، اجزای آن با نیم‌فاصله، و اگر ده‌حرفی یا بیش‌تر باشد، اجزای آن با یک فاصله از هم نوشته می‌شوند؛ مانند: مستضعف‌نشین

۳. ترکیب‌های چندجزئی جدا که هشت حرف یا کم‌تر داشته باشند، با نیم‌فاصله از هم نوشته می‌شوند؛ مانند: لابه‌لا

در ترکیب‌های چندجزئی جدا که بیش از هشت حرف داشته باشند، میان اجزای ده‌حرفی (وکم‌تر) که با هم یک سازه‌ی دستوری (مانند اسم فاعل، اسم مفعول، عدد مرکب و ...) می‌سازند یا با هم خوانده می‌شوند، نیم‌فاصله (مانند: خیمه‌شب‌بازی) و میان این اجزا و جزء یا اجزای دیگر، یک‌فاصله می‌گذاریم. (مانند: داستان-گونه نویسی)

۴. هرگاه هیچ‌یک از اجزای ترکیب چندجزئی باهم سازه‌ی دستوری (مانند اسم فاعل، اسم مفعول، عدد مرکب و ...) نسازند یا با هم خوانده نشوند، همه‌ی اجزای ترکیب از هم یک‌فاصله می‌گیرند؛ مانند: بادمجان دور قاب چین.

• نمونه‌های موردهای ۱، ۲ و ۳ نمونه‌هایی از کتاب‌اند که قاعده‌ی بالا در آن رعایت نشده است.

۶- اصول نشانه‌گذاری در زبان نوشتاری فارسی

از آن‌جا که این نشانه‌ها (، ، ؛ ، ؟ ؛ !) از زبان‌های اروپایی آمده‌اند، اصول قرارگرفتن‌شان هم از استاندارد نگارش همان زبان‌ها پیروی می‌کند. در زبان‌های اروپایی همیشه این نشانه‌ها به واژه‌ی پیش از خود می‌چسبند و از واژه‌ی بعدی فاصله می‌گیرند. این فاصله هم باید به اندازه‌ی یک space باشد، نه بیش‌تر! بنابراین فاصله انداختن بین نشانه‌هایی چون « ، ، ؛ ، ؟ ؛ !» با واژه‌های پیش از خود و فاصله نینداختن این نشانه‌ها با واژه‌های پس از خود، نادرست است. درست این است:

[واژه] [نشانه‌ی مورد نظر] [فاصله یا همان space] [واژه‌ی بعد]

رعایت این شیوه، هم شکل ظاهری متن را زیباتر می‌کند و هم باعث می‌شود، نشانه‌گذاری‌های متن در هر حالتی از جمله که دیده‌شدن، در نمایشگر رایانه و یا چاپ روی کاغذ، به هیچ‌وجه از انتهای سطر پایین نیفت‌اند.

نشانه‌گذاری در کتاب می‌تواند از جمله ساده‌ترین موردهای رعایت درست‌نویسی و خوانانویسی و عامل رفع بسیاری از ابهام‌ها به شمار آید؛ اما متأسفانه به این مقوله کم‌تر توجه شده است.

۶-۱- نمونه‌ی اشکال‌های نشانه‌گذاری در کتاب

«وقتی کسی موضوعی برای نوشتن پیدا نمی‌کند، به طنز می‌گوید: «نویسندگان، قبلاً همه چیز را نوشته‌اند، دیگر موضوعی برای نوشتن نمانده است.» (ص ۱۴، ب ۲، س ۳)

توضیح: مانند قلاب و پرانتز، اگر درون گیومه، جمله‌ی کامل باشد، نشانه‌ی جمله درون آن قرار می‌گیرد: جمله‌ی درست: ... «نویسندگان ...»

«متن زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.» (ص ۳۹، س ۱)

توضیح: در جمله‌های مرکب و پیش از واژه‌های توضیحی (مانند: یعنی، مانند، زیرا، بنابراین، اما، در نتیجه، از این‌رو، چنان‌که، با وجود این، در این صورت، با این حال، با این‌همه، برای نمونه و ...)، نقطه و پرگول می‌آید: جمله‌ی درست: متن زیر را بخوانید؛ سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

نکته: پیش از نشانه‌ی نقطه و پرگول باید فعل باشد؛ در غیر این صورت و پرگول می‌آید؛ مانند: زندگی، یعنی عقیده و جهاد.

نشانه‌های نگارشی در کتاب یا به صورت کاربرد نادرست یا زائد و یا اساساً بدون کاربرد است. پراکندگی نوع و شیوه‌ی به کارگیری نشانه‌ها نشان می‌دهد رویه‌ای خاص و علمی مدنظر ویراستار کتاب نبوده و بیش‌تر کاربردها ذوقی است.

۷- نتیجه و پیش‌نهاد

هدف اصلی این نوشته، شناسایی مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار کتاب، طبقه‌بندی و بررسی بسامد هر یک و در پایان نتیجه‌گیری و ارزیابی راه کارهای مناسب برای رفع آن‌هاست و بر فرضیه‌ی زیر استوار بوده است:

• بیش‌ترین الگوهای زبانی غیرمعیار در کتاب نگارش ۱، به ترتیب در حوزه‌های ویرایش فنی، زبانی و بلاغی دیده می‌شوند.

بررسی‌های انجام‌شده درستی فرضیه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد وضعیت ویرایش کتاب نگارش ۱، کاملاً مطلوب نیست. این گزارش هشدار می‌دهد که کتاب نگارش که الگوی درست و پیراسته‌نویسی است، خود دارای نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در ساختار، نثر و سبک نوشتاری است و باید بیش از همیشه و پیش از آن که کنترل زبان آن از دست خارج شود، در کوتاه، میان و بلندمدت تدبیرهایی برای ویرایش دقیق و اصولی آن اندیشیده شود. تأمل در این پیش‌نهاد می‌تواند در تصمیم‌گیرهای آتی، نقش به‌سزایی ایفا کند و با توجه به حساسیت کار، با ویرایش دقیق، حرفه‌ای و با حوصله، می‌توان گامی جدی برای رفع نارسایی‌های ویرایشی کتاب برداشت.

۸- منابع

۱. امینی، سید کاظم، آیین نگارش مکاتبات اداری، چاپ بیست و پنجم؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۸۵)؛
۲. بدیعی، نعیم و حسین قندی، روزنامه نگاری نوین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، (۱۳۸۳)؛
۳. دستور خط فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۲)؛
۴. صافی، قاسم، آیین نگارش و ویرایش، چاپ ششم، تهران: ارسباران (۱۳۹۱)؛
۵. ذوالفقاری، حسن، راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی، چاپ سوم، تهران: نشر علمی، (۱۳۹۲)؛

۶. نجفی، ابوالحسن، غلط ننویسیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۸۰)؛
۷. نیکوبخت، ناصر، مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار، چاپ پنجم، تهران: چشمه، (۱۳۹۵)؛
۸. غیر معیارهای نشر مطبوعاتی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۸۵)؛
۹. مدرسی، یحیی، «پژوهشی در واژه‌های بیگانه اروپایی در نشریات فارسی (طرح پژوهشی)»، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، (۱۳۷۶)؛
۱۰. ———، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، (۱۳۶۸)؛
۱۱. نجفی، ابوالحسن، «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، درباره‌ی زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی؛
۱۲. سمیعی گیلانی، احمد، «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در صدا و سیما»، درباره‌ی زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۵)
۱۳. کجانی حصار، حجت، تشدید در زبان فارسی. aryaadib.blogfa.com.